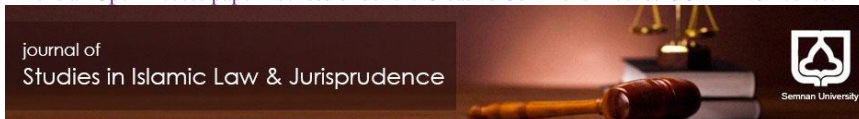


Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volume 15, Consecutive Number 31, Summer 2023
Issn:2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The relativity of the abstract feature of negotiable instruments with an emphasis on judicial procedure

Mirtaheri.Reza¹- Taherkhani.Hosein^{2*}-Andarz.Davood³

1: Ph.D. student, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: Corresponding Author (Taherkhani7414@gmail.com)

3: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran.

The separation of negotiable instruments from the civil obligation is the separation between two legal relationships, which is called abstract presumption. The most important aspects of this presumption: indebtedness and lack of attention to flaws in the private relations of the parties, which is called relative presumption. Although the commercial law of Iran has not explicitly accepted the fact that negotiable instruments are abstract, it can be inferred from the spirit of some laws, but some side examples cannot be considered absolute in the absence of the ability to invoke flaws against a third party, because exceptionally, it is assumed by the legislator to protect the third party. In order to achieve a logical attitude, the relativity of the abstract presumption should be examined according to the concept of the presumption and the principle of uncertainty of the presumptions and their opposability from the perspective of jurists, law, and judicial procedure. The judicial procedure has accepted this relativity, unlike some harsh attitudes in the field of turning civil obligation into commercial obligation.

Keywords: civil obligation, negotiable instruments, presumption, being relative.

- R. Mirtaheri- H. Taherkhani, D. Adarz (2023). The relativity of the abstract feature of negotiable instruments with an emphasis on judicial procedure, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(31), 33-56.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29504.3486](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29504.3486)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵ - شماره ۳۱ - تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۳۳-۵۶ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ - بازنگری ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

نسبی بودن خصیصه تجریدی اسناد تجاری با تأکید بر رویه قضائی

رضا میرطاهری / ۱ حسین طاهرخانی / ۲ / داود اندرز ۳

۱: دانشجوی دکتری گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

Taherkhani7414@gmail.com

۳: استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.

چکیده

جدایی اسناد تجاری از تعهد مدنی به معنای جدایی بین دو رابطه حقوقی است که اماره تجریدی نامیده شده است. مهم ترین آثار این اماره، مدیونیت، اشتغال ذمه و عدم توجه ایرادات در رابطه با روابط خصوصی طرفین می باشد که اماره ای نسبی تلقی می گردد. هر چند قانون تجارت ایران، اماره تجریدی بودن اسناد تجاری را به طور صریح نپذیرفته است ولی از روح برخی قوانین می توان آن را استنباط نمود؛ لکن برخی مصادیق جانبی آن، در عدم قابلیت استناد به ایرادات در برابر ثالث را نمی توان مطلق تلقی کرد، زیرا به طور استثناء توسط مقنن برای حمایت از ثالث فرض شده است. برای دستیابی به یک نگرش منطقی، باید نسبی بودن اماره تجریدی را با توجه به مفهوم اماره و اصل عدم قطعیت امارات و خلاف پذیر بودن آنها از منظر حقوقدانان، قانون و رویه قضائی بررسی نمود. رویه قضائی برخلاف برخی نگرش های تند در زمینه تبدیل تعهد مدنی به تعهد تجاری، این نسبی بودن را قبول کرده است.

کلیدواژه: تعهد مدنی، اسناد تجاری، اماره، نسبی بودن.

- میرطاهری، رضا؛ طاهرخانی، حسین؛ اندرز، داود (۱۴۰۲). نسبی بودن خصیصه تجریدی اسناد تجاری با تأکید بر رویه قضائی. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۱، صفحات ۳۳-۵۶.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29504.3486](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29504.3486)

مقدمه

آن چه اسناد تجاری را از دیگر اسناد جدا می کند ویژگی تجریدی تعهدات ناشی از آنهاست و متعهد برات، سفته و چک به موجب امضای این اسناد، در مقابل دارنده سند متعهد می شود و در مقابل او نمی توان به روابط شخصی خود با انتقال دهنده سند استناد کند؛ به عبارت دیگر، متعهد برات در مقابل دارنده آن نمی تواند به ایراداتی متوسل شود که می توانست در مقابل انتقال دهنده به لحاظ معامله ای که به خاطر آن سند براتی صادر شده و به جریان افتاده است، مطرح کند؛ یعنی با صدور سند، همزمان، اماره تجرد نیز با آن زاده می شود (کامیار، ۱۳۸۵: ۱۲۹) زیرا تعهد براتی، از تعهد حاصل از معامله جدا و مستقل است. اماره تجریدی در اسناد تجاری به معنای جدایی دو رابطه حقوقی است: رابطه حقوقی مبنای صدور سند تجاری و رابطه حقوقی که با تنظیم سند شکل می گیرد. علاوه بر صدور، هر انتقال نیز خود مبتنی بر یک تعهد پایه است که واگذاری آن را توجیه می کند؛ یعنی طرفین این انتقال می توانند در برابر یکدیگر به روابط خصوصی خود استناد نمایند، لکن برخی جدایی بین این دو رابطه را نسبی می دانند (اسکینی، ۱۳۸۹: ۶؛ گرامی طیبی، ۱۳۹۸: ۳۲؛ اخلاقی، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۸؛ حبیبی، ۱۳۹۶: ۳۴/۲-۳۷-۳۸؛ شریفی، ۱۳۹۵: ۳۳) و برخی بر این جدایی چنان اصرار دارند که صدور سند تجاری را وسیله تبدیل تعهد مدنی به دین تجاری تلقی کرده اند (بهرامی، ۱۳۸۷: ۴۳ به بعد؛ نیک فرجام، ۱۳۸۳: ۲۳ نظرات موافق و مخالف) به عبارتی، اماره تجریدی اسناد تجاری را مطلق در نظر گرفته اند. این طرز تلقی مطلق، منجر به این برداشت شده که مقررات قانون مدنی در اسناد تجاری کاربرد ندارد، لذا برای این که در حقوق ایران اماره تجریدی پالایش شود باید مفهوم اماره و مجموع تجریدی بودن، هم از نظر حقوقدانان و هم از نظر قانون و رویه قضائی مورد بررسی قرار گیرد. در برخی آرای قضائی، اماره تجریدی اسناد تجاری را اماره ای مطلق دانسته اند که منجر به ساقط شدن تعهد مدنی پایه از تعهد تجاری شده است. پس با صدور سند تجاری، اماره تجریدی پا به عرصه وجود می گذارد و اگر آن را مطلق تلقی نمایم در این صورت،

در برابر همه قابل استناد خواهد بود؛ یعنی حتی در برابر طرفین بلافصل، بنابراین دارنده سند تجاری می تواند وجه آن را مطالبه نماید لکن اگر تعهد مدنی مبنای صدور سند تجاری به عللی از میان برود یا مقید به قیدی شود، تأکید بر اجرای سند مفید فایده نخواهد بود، زیرا مدیون سند می تواند آن چه را که پرداخته است از جهت دارا شدن ناروا، از وصول کننده مطالبه نماید که این روند منجر به اتلاف وقت و صرف هزینه زیاد برای طرفین خواهد بود؛ اما اگر اماره تجریدی را اماره ای نسبی در نظر بگیریم در مقابل همه قابلیت استناد دارد ولی استثنائاتی دارد که به عنوان خلاف اماره قابل طرح است؛ لذا اگر چه سند تجاری و تعهد پایه از هم جدا هستند ولی با هم نیز مرتبط می باشند. اماره تجریدی صرفاً برای ثالث به وجود نیامده است؛ به این معنا که اگر آن را «عدم توجه ایرادات در برابر ثالث» تلقی نمائیم در این صورت، باید قبول کنیم تا ثالثی در بین نباشد اماره تجریدی پا به عرصه وجود نمی گذارد، در صورتی که اماره تجریدی با صدور سند تجاری خلق می شود و وجود یا عدم وجود ثالث تأثیری بر آن ندارد. بنابراین تحقق اماره تجریدی را با عنوان اماره نسبی و خلاف پذیر انتخاب می کنیم و توجه به ایرادات در بین طرفین بلافصل و مستقیم تعهدات مدنی و پایه را به عنوان خلاف اماره به حساب می آوریم. هر چند برخی بر این جدایی چنان تأکید دارند که صدور اسناد تجاری را ابزاری برای جایگزینی تعهد مدنی با تعهد تجاری عنوان کرده اند. برای این که موضوع اماره تجریدی به درستی تبیین شود نخست باید مجموع اماره و نسبی یا مطلق بودن آن و استثنائات به عنوان تخلف پذیر بودن اماره در قانون مورد تبیین قرار گیرد و سپس موضع رویه قضائی در این خصوص بررسی گردد.

۱- مفهوم اماره

اماره در لغت به معنای نشان، نشان راه، قرینه و علامت است. به عنوان دلیلی برای اثبات است و در عرف و عادت جنبه کاشفیت دارد ولی ظنی است. در فقه اسلامی شامل هر دلیل ظنی است که شارع آن را معتبر شناخته باشد. در فقه، اماره شامل ظواهر الفاظ، خبر واحد، شهادت و اقرار می باشد. امارات دلایلی هستند که کاشف از واقع است؛ به

همین علت حجیت یافته است. محتویات مفهوم امارات می تواند احکام شرعی باشد، مانند خیرهای غیر متواتر که امکان دارد ناقل حکمی از احکام شرع باشد و یا در موضوعات باشد؛ مانند قاعده ید که اماره بر مالکیت است. دلیل ظنی معتبر در اصطلاح اصول، اماره نامیده شده که کاشف از واقع می باشد، هر چند کاشف ناقص است و حجیت دارد و ظن خاص نامیده شده است و برخی اماره یا دلیل ظنی معتبر و دلیل قطعی که کاشف از واقع هستند را ادله محرزه گفته اند (اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۶۸/۱؛ مناقب، ۱۴۰۰: ۴۴۶) اما اماره در حقوق برخلاف فقه، مفهومی محدود و متفاوت دارد و ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی، اماره را از اوضاع و احوالی می داند که به عنوان دلیل بر امری شناخته می شود، آن هم به حکم قانون یا در نظر قاضی؛ لذا در این تعریف عقل و استنباط در اماره دخیل است؛ پس اماره زمینه ساز رسیدن به واقع مطلوب است تا بدین طریق از معلومی به مجهولی که هدف اثبات است برسد؛ بدین جهت اماره را دلیل غیر مستقیم گفته اند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۳۳۲/۲-۱۴۵).

۱-۱- اماره قانونی و اماره قضائی

قانون مدنی در مواد ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ آنها را تعریف کرده است. در ماده ۱۳۲۲ عنوان می دارد: امارات قانونی اماراتی است که قانونگذار آن را دلیل بر امری قرار داده؛ مثل امارات مذکور در مواد ۳۵، ۱۰۹، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹ و غیر آن؛ بنابراین امارات قانونی محصور در قانون است. امارات قضائی، اماراتی است که به نظر قاضی واگذار شده است؛ بنابراین اماره قانونی را چون قانونگذار معین کرده است محدود می باشد و احتیاج به نص قانونی است و چهره نوعی و کلی دارد. اماره قضائی را چون قاضی معین می کند محدودیت ندارد و با توجه به اوضاع و احوال و شرایط ویژه هر دعوا وابسته به استنباط قاضی است (همان، ش ۳۴۸). امارات قضائی در واقع، مبتنی بر استنباط و عقل دادرس است و به همین دلیل، حد و مرز ندارد و مبتنی بر اختیار قاضی می باشد؛ اما امارات قانونی چون مبتنی بر حکم قانون است قاعدتاً محصور بوده و جنبه الزام آور دارند (مناقب، ۱۴۰۰: ۴۴۷).

۱-۲- انواع امارات قانونی از نظر اعتبار آنها

امارات، بر ظنّ و احتمال بنا شده و قانونگذار آن را قابل اسقاط تلقّی کرده است. همان گونه که در خصوص «ظاهر» گفته شد هر ظاهری عقلاً، تبعاً و یا عرفاً حکایت ظنّی یا مفید علم از وقایعی خاصّ می کند. ظاهر، مفید ظنّ قابل اتّکاء نیست، اما ظاهر مفید علم، حجّیت دارند و این حجّیت نسبی است و خلاف آن قابل اثبات است؛ لذا ظواهر به اثبات ظاهری امور می پردازد. همچنین امارات بر ظاهر امور بنا می شود و خلاف پذیر می باشند ولی قانونگذار بر اساس برخی شرایط و دلایل، اثبات خلاف آنها را غیر ممکن اعلام می نماید و در حقیقت، امکان اثبات خلاف آنها وجود دارد. امارات از نظر اعتبار آنها به دو گروه قابل تقسیم است: اماره نسبی (خلاف پذیر) و اماره مطلق (خلاف ناپذیر).

۱-۲-۱- امارات نسبی (خلاف پذیر)

اماره ایی که خلاف آن قابل اثبات است، اماره نسبی خوانده می شود. این برداشت براساس ماده ۱۳۲۳ قانون مدنی است که در کلیه دعاوی حتّی اگر به شهادت شهود قابل اثبات نباشد را معتبر دانسته است و خلاف آن را با ارایه دلیل می توان از اعتبار انداخت. برخی طبیعت اماره را به گونه ای می دانند که اثبات خلاف آن امکان دارد و همین ویژگی است که اماره را از دیگر قواعد ماهوی و دلایل مستقیم و فرض حقوقی مجازی متمایز می کند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۶۳/۲). اماره خلاف ناپذیر برخلاف نظر مشهور، وجود خارجی ندارد و آن چه به این عنوان مشهور شده، در واقع احکام ماهوی است که انگیزه انشای آن، عمومی کردن پدیده غالب بوده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ش ۶۴). در صورتی که تردید در نسبی یا مطلق بودن اماره ای رخ دهد باید آن را نسبی تلقّی کرد، زیرا مقتضای اصل آزادی اراده (اباحه) این است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ش ۲۳۰۶).

۱-۲-۲- امارات قانونی مطلق (تخلّف ناپذیر)

اماره مطلق، غیر قابل ردّ است و برای حفظ نظم عمومی دلیل برخلاف آن پذیرفته نمی شود. عدم قبول دلیل برخلاف این اماره، امری استثنایی دانسته شده که مستلزم تصریح قانونگذار می باشد مانند اعتبار امر مختومه (امامی، بی تا: ۲۱۲/۶).

۲- استنباط اماره تجریدی اسناد تجاری از قانون تجارت

برای تبیین اماره تجریدی اسناد تجاری در وهله نخست آن را از قانون تجارت ایران استخراج و استنباط کرده و سپس اماره نسبی بودن آنها را تحلیل می نمایم. تجریدی اسناد تجاری به طور صریح در قانون ذکر نشده و در حقوق ایران رسمیت نیافته است و از این لحاظ، مضمونی غریب با حقوق داخلی است (اسکینی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). یکی از این علل، مربوط به زمان تدوین این قانون است، زیرا قانون تجارت ایران از قانون فرانسه گرفته شده و علیرغم به روز شدن و اصلاح قانون فرانسه در این خصوص، قانون تجارت ایران بدون تغییر مانده است. برای جبران این مورد باید به قوانین و مقرراتی که قانونگذار ایران تدوین کرده و در حال حاضر وجود دارد توجه کرد. به عبارتی، وقتی مقنن مقرراتی را وضع می کند، باید به آثار و مفهومی که بر آن مواد حاکم است توجه کرد و در هر مورد ضوابط حاکم بر قانون را فحص و جستجو کرده و بدین وسیله قاعده موردنظر را استنباط و استخراج نمود. گرچه ممکن است به مقصود غایی موردنظر نرسیم، لکن با این حداقل ها و رویه قضائی می توان ترسیم مناسبی از مجموعه حاصل شده، به وجود آورد. با انتخاب چنین نگرشی باید مقررات را بازبینی نمود تا به محتوا نایل شد؛ از این حیث به قوانینی که در قانون تجارت ایران وجود دارد نظری می اندازیم تا از روح حاکم بر آنها، اماره تجریدی اسناد تجاری را استخراج نمایم.

۱-۲- ماده ۳۱۰ قانون تجارت عنوان می دارد: «چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که در نزد محالّ علیه دارد کلاً یا بعضاً مستردّ یا به دیگری واگذار می نماید.» صدور چک مستقلاً دلیل اشتغال ذمه صادر کننده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۳۴)؛ اداره کلّ حقوقی قوه قضائیه، ۱۳۹۱: ش ۱۹۷۸۳، ردیف ۲۹۷)؛ یکی از

مواردی که تجرّد را بیان می کند عنوان «نوشته ای است» می باشد. به عبارتی، با این مکتوب صادر کننده می تواند وجوهی را وصول نماید یا به دیگری بدهد، بدون توجه به تعهد پایه یا مبنایی که حاکی از اماره تجریدی بودن اسناد تجاری می باشد.

۲-۲- ماده ۳۱۱ قانون تجارت عنوان می دارد: «در چک باید محلّ و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادر کننده برسد، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.» در این قانون به امضای روی سند تأکید شده که نشان می دهد چک به جهت امضای روی آن ارزش می یابد و صادر کننده متعهد می شود؛ لذا پرداخت آن نمی تواند وعده دار باشد، زیرا در غیر این صورت از سند تجاری خارج شده و یک تعهد مدنی صرف تلقی می گردد. از این قانون هم اماره تجریدی را می توان استنباط نمود (همان).

۳-۲- ماده ۳۱۳ قانون تجارت عنوان می دارد: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.» به عبارتی، محالّ علیه بدون توجه به مندرجات سند و روابط خصوصی طرفین با ارائه سند باید فوراً نسبت به پرداخت وجه آن اقدام نماید لذا تجریدی بودن را از آن می توان استنباط کرد (همان؛ صباغیان، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۳۵).

۴-۲- ماده ۲۳۰ قانون تجارت عنوان می دارد: «قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید.» از این ماده قانونی چنین برداشت می کنند که قانونگذار به جهت امضایی که در روی سند وجود دارد، صادر کننده را مسئول می داند و این مسئولیت مربوط به مدیونیت و روابط پایه و مبنا نمی باشد و لذا قبول کننده را ملزم به پرداخت کرده است (اسکینی، ۱۳۸۹: ۱۱۰؛ دمیرچلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۱۹).

۵-۲- ماده ۲۵۳ قانون تجارت در خصوص نوع پول پرداختی با پول مندرج در برات و لزوم تبعیت این دو، مقرر می دارد: «اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه ... اعتراض شود دارنده برات می تواند از دهنده برات یا انتقال دهنده، نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده، مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات، جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.» در این قانون به

توافق خصوصی که بین دو نفر رخ داده، اشاره می نماید و آن را قابل تسری به دیگران نمی داند. منظور از دیگران، طرف ثالث می باشد (جنیدی و شریعتی نسب، ۱۳۹۲: ۱۴).
 ۲-۶- ماده ۲۵۷ قانون تجارت عنوان می دارد: «اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلت برای پرداخت بدهد، به ظهرنویس های ماقبل خود و برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع نخواهند داشت.» هرگونه توافق که بین طرفین مستقیم صورت گرفته و براساس آن رضایت حاصل شده، در مقابل دیگران که به این مورد رضایت نداشته اند قابل تسری نیست (همان).

در دو ماده فوق، به روابط طرفین بلافصل و مستقیم اشاره شده است که در صورت بروز اختلاف، هر طرف می تواند به آن استناد نماید؛ لکن این توافقات در مقابل ثالث تأثیری ندارد. از این دو ماده می توان اماره تجریدی و عدم توجه به ایرادات را استنباط نمود، زیرا روابط خصوصی طرفین و تعهد مبنا و پایه قابل تسری به دیگران که از این رابطه مطلع نبوده و یا رضایت نداشته اند، نیست. در موارد فوق مشاهده می شود که در باطن به مبنای اماره تجریدی اسناد تجاری اشاره دارند که حاکی از پذیرش اماره تجریدی و عدم توجه به ایرادات می باشد.

۳- دلایل نسبی بودن اماره تجریدی اسناد تجاری

همان گونه که گفته شد با توجه به خصوصیت اسناد تجاری، این اسناد مستقل و منفک از معامله مبنا و پایه بوده و به عبارتی، تعهد مدنی از سند تجاری منفک و جدا تلقی شده است، اما به عنوان یک اماره نسبی این جدایی مطلق نمی باشد؛ لذا دلایل نسبی و خلاف پذیر بودن این اماره را به شرح زیر بیان می نمایم:

۳-۱- از منظر حقوقدانان

صدور سند تجاری باعث از بین رفتن تعهد سابق یا تضمینات آن نمی شود، چون:
 الف: از لحاظ مقررات قانونی در این که متعهد به دو اعتبار (تعهد منشأ و تعهد براتی) برای وصول طلب خود دو وسیله در اختیار داشته باشد مانعی وجود ندارد. طلبکار با وصول طلب به وسیله یکی از این وسایل طبیعتاً حق استفاده از وسیله دیگر را نخواهد

داشت. زبان حال و قصد ضمنی طرفین در حین صدور و قبول سند تجاری نیز همین است (اخلاقی، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۸).

ب: درست است که اسناد تجاری تضمینات و مزایای ویژه ای دارد و تسلیم سند دارنده را از این مزایا برخوردار می کند، لکن گاه تضمینات تعهد منشأ بیشتر و بهتر است؛ از جمله وقتی که تعهد منشأ تضمینی مانند وثیقه عینی به همراه داشته باشد. بدیهی است کسی که بابت چنین طلب، سند تجاری قبول می کند قصد انصراف از تعهد سابق و تضمینات آن ندارد (همان)؛ ضمناً حامل از دو راه می تواند کشنده برات را تعقیب کند: یکی راه که مربوط به پیش از تاریخ کشیدن برات بوده است و دومین راه، تعقیب ناشی از عمل صدور برات است. اگر دو می مضمول مرور زمان شود از اولین راه می توان بهره گرفت (جعفری لنگرودی، ۴۳۲ به نقل از دمرچیلی و دیگران ۱۳۹۰: ۴۸۳). یکی از حقوقدانان در ردّ منفک بودن سند تجاری از معامله مبنایی بیان می دارد: «برات یک سند تجاری ویژه است و ...، یک عمل حقوقی محسوب می شود ... از طرف دیگر، خود برات بدون دلیل و علت صادر نمی شود و همان طور که گفته شد معلول روابط حقوقی قبلی است که میان دارنده و مسئولان برات وجود دارد؛ این روابط قطعاً در روابط ناشی از برات تأثیرگذار است» (اسکینی، ۱۳۸۹: ۳۲)؛ پس صرف صدور سند را پرداخت دین محسوب نمی کنند و تسلیم سند تجاری به طلبکار، به خودی خود پرداخت دین نیست، بلکه چک وسیله پرداخت دین بوده و تا زمان وصول سند، دین و تضمینات آن باقی خواهد ماند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۷/۴). اسناد مورد بحث به عنوان وسیله پرداخت، وضعیتی نظیر پول دارند با این تفاوت که موجب اسقاط تعهد مدیون نمی شود. از نظر حقوق فرانسه، تسلیم چک به مثابه پرداخت نیست و تا نقد نشود تعهد اصلی به جای خود باقی است و حقوق ایران در این خصوص چنین صراحتی ندارد. در واقع، در حقوق ایران، پرداخت از طریق برات، سفته و یا چک مدیون را بری الذمه نمی کند؛ در حالی که پرداخت به پول، باعث برائت ذمه متعهد می شود. اگر به جای پول از اسناد تجاری مزبور استفاده شود تا زمانی که وجه این اسناد به صورت تسلیم پول و یا

واریز به حساب متعهد پرداخت نشود، تعهد متعهد (خریدار) همچنان باقی می ماند و به عبارتی، موجب اسقاط تعهد اصلی صادر کننده که ناشی از قرارداد اصلی است، نمی شود (اسکینی، ۱۳۸۹: ۶-۲۳۱-۲۳۳)؛ پس وصف تجریدی در مقابل اولین دارنده سند تجاری حکمفرما نیست؛ یعنی صادر کننده در مقابل اولین دارنده می تواند به رابطه پایه استناد نماید و مبلغ سند تجاری را پرداخت نماید (گرامی طیبی، ۱۳۹۸: ۳۲).

۳-۲- از منظر قانون

اماره تجریدی اسناد تجاری سه اثر دارد: مدیونیت، اشتغال ذمه و عدم توجه ایرادات که نسبی بودن این امارات را مطرح می نمائیم.

۳-۲-۱- اماره تجریدی و مدیون بودن

الف: مستند قانونی

ماده ۲۳۰ قانون تجارت عنوان می دارد: «قبول کننده ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید» و ماده ۳۱۳ قانون تجارت نیز بیان می دارد: «وجه چک به محض ارایه، باید کارسازی شود.»

ب: منشاء این اماره

همان گونه که قبلاً گفته شد، صادر کننده سند، با توجه به امضای روی سند، مسئول می باشد و قبول کننده نیز با قبول و امضاء برات مسئولیت پرداخت را دارد. این امضاء ایجاد تعهد کرده است و دلیلی بر مستقل بودن اسناد تجاری از تعهد پایه را بیان می کند. همچنین با توجه به قبولی برات، قبول کننده به نوعی اقرار می نماید که مدیون بوده است. مقنن به اراده ظاهری مزبور توجه دارد و لذا براتگیر باید از عهده انجام مسئولیت مزبور برآید؛ زیرا وقتی صادر کننده، اقدام به صدور می کند برای براتگیر الزامی برای قبولی مترتب نیست، لذا اگر براتگیر براتی را نپذیرد مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت (اسکینی، ۱۳۸۹: ۸۵). مورد دیگر مربوط به تعهدی است که هر کس بر عهده می گیرد؛ یعنی اقدامی که هر کس می کند مبتنی بر قاعده اقدام باید خودش پاسخگوی اقدامات خود باشد. به عبارتی، برات

دهنده و براتگیر که قبولی نوشته یا حتی صادر کننده چک، بنابر حاکمیت اراده ظاهری که در قبولی برات و صدور چک وجود دارد به زیان خود اقدام کرده است و عواقب آن را نیز باید قبول کند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹: ۴۶/۳).

مورد دیگری که باید اضافه گردد، مربوط به نقش عرف و عادت می باشد؛ زیرا همواره اکثریت قریب به اتفاق افرادی که برات را قبول می کردند به براتکش مدیون بوده اند و ماده ۲۳۵ قانون تجارت دلیلی بر این مدعا می باشد. عرف و عادت حاکم بر جامعه مبتنی بر این موضوع است که هر کس براتی را قبولی نوشت و یا چکی را صادر کرد، مدیون بوده است مگر خلاف آن ثابت شود. همچنین، الزامی که در ماده ۳۱۳ قانون تجارت در مورد چک مقرر شده، نشان دهنده مدیونیت صادر کننده است؛ زیرا در این ماده، مقنن محالاً علیه را ملزم کرده که وقتی صادر کننده، چکی را امضاء و آن را به محالاً علیه ارایه می کند او را ملزم به پرداخت کرده است و نمی تواند به هر بهانه ای از پرداخت استنکاف ورزد.

ج: نسبی بودن اماره

یکی از دلایلی که می توان به نسبی بودن این اماره اشاره کرد در این مورد است که براتگیر به رغم قبولی برات، می تواند در برابر دارنده و در صورت وجود شرایط قانونی، به تهاتر دین ناشی از برات و طلب خود از دارنده متوسل شود و از پرداخت خودداری کند. ضمناً در صورتی که برات بدون محلّ توسط براتگیر قبول شده و صادر کننده، پس از پرداخت وجه آن به دارنده، مجدداً دارنده برات می شود در چنین وضعی، عدم وجود محلّ نزد براتگیر می تواند در مقابل صادر کننده مطرح شود و نمی توان به صرف قبولی برات از طرف براتگیر، صادر کننده را محقّ به مطالبه ناشی از برات کرد و براتگیر را مجبور نمود. همچنین در مورد چک، صادر کننده چک با اعلام سرقتی بودن و یا جعل یا کلاهبرداری می تواند حساب خود را مسدود و از پرداخت چک خودداری نماید؛ یا با استناد به عدم اهلیت و شرط عدم مسئولیت و ... و با ارایه دلیل دیگر می تواند خلاف این اماره را اثبات نموده و آن را از اعتبار

انداخت. به علاوه، قبول کننده به عنوان براتگیر می تواند با استناد به ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی که ناظر به اشتباه شخص اقرار کننده است و این که در قبولی برات، مرتکب اشتباه شده و قبول برات مبتنی بر دریافت سند یا وجه یا تعهدی بوده که محقق نشده است و یا برات کش آن را انجام نداده است به اعتبار این اماره، خدشه وارد نماید و قبول کننده با استناد به عدم اهلیت و یا وجود عیوب اراده و قصد و رضا بطلان این قبولی را بخواهد (همان: ۴۶)؛ یا بنا به تجویز ماده ۳۰۲ قانون مدنی، با اظهار به اشتباه خود مبنی بر این که فکر می کرده مدیون است اقدام به صدور یا قبولی برات یا صدور چک یا سفته کرده است با این موضوع مقابله نماید؛ لذا با توجه به عدم قطعی بودن امارات، این اماره نسبی و خلاف پذیر است.

۳-۲-۲- اشتغال ذمه

الف: مستند قانونی

ماده ۳۱۰ قانون تجارت عنوان می دارد: «چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که در نزد محالّ علیه دارد کلاً مستردّ یا به دیگری واگذار می نماید.» ضمناً آرای وحدت رویه صادره از هیات عمومی دیوان عالی کشور می تواند در حکم قانون باشد و برای دادگاه ها در موارد مشابه، لازم الاتباع است؛ لذا مدرک قانونی این اماره می تواند رأی وحدت رویه شماره ۲۱۰ مورخ ۱۳۱۸/۰۲/۱۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور باشد که صدور چک را دلیل اشتغال ذمه صادر کننده تلقی کرده است.

ب: منشأ، اعتبار و نسبی بودن اماره

گردش گسترده چک در بین مردم و رواج بیشتر آن باعث شده تا در عرف و عادت جامعه، صدور چک را دلیل بر اشتغال ذمه و مدیون بودن وی تلقی نمایند. هر چند چک در موارد دیگری نیز استفاده می شود لکن غالب، اشتغال ذمه صادر کننده است و با صدور آن اقدام به نوعی اقرار ضمنی به مدیون بودن هم است. در صورتی که صادر کننده مدیون نباشد می تواند با تحصیل دلیل مانند سرقتی بودن سند تجاری یا جعل یا

کلاهبرداری و ... نسبت به مسدود کردن حساب و عدم پرداخت آن اقدام نماید، یا با اثبات عدم اهلیت آن را از اعتبار ساقط نماید. این اماره با توجه به اصل عدم قطعیت امارات از اعتبار نسبی و خلاف پذیر برخوردار است و صادر کننده می تواند با ارایه دلیل، خلاف اماره مزبور را اثبات نماید.

۳-۲-۳- اماره تجریدی و عدم توجه به ایرادات

الف: مستند قانونی

مستند این اماره مواد ۲۵۳ و ۲۵۷ قانون تجارت می باشد. در ماده ۲۵۳ قانون تجارت آمده است: «اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را برای او منتقل کرده است، پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه ... اعتراض شود دارنده برات می تواند از دهنده برات و انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده، مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.» و در ماده ۲۵۷ قانون تجارت مقرر شده است: «اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد، به ظهر نویس های ماقبل خود و برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع نخواهد داشت.»

ب: منشأ، اعتبار و نسبی بودن اماره

با توجه به مباحث بالا، با امضاء و صدور برات و تحویل آن به دارنده برات، رابطه ای شکل گرفته است که براساس قاعده اقدام و اقرار طرفین و عرف و عادت مرسوم جامعه، طرفین ملزم به اجرای تعهد خود می باشند و هیچ گونه عذر و بهانه و دلیلی نمی تواند از اجرای آن جلوگیری نماید و بدین اعتبار، قبول کننده برات ملزم به پرداخت وجه است. حال مقنن در این مواد، اشاره کرده که هرگونه توافقات حاصله بین دهنده و دارنده و ظهر نویس ماقبل برات قابل اجرا می باشد؛ یعنی در انتخاب بین تعهد مندرج در برات و یا اجرا و انجام توافقات فیما بین طرفین مستقیم و بلافصل، اختیاری بوده و این امری قطعی است لکن نمی تواند دیگران را ملزم به

انجام آن توافقات نمود؛ یعنی این توافقات قابلیت تسری به دیگران را ندارد. در این دو قانون، مقنن در راستای مصلحت جامعه و حمایت از منافع ثالثی که از این توافقات مطلع نبوده یا رضایت نداشته است اقدام به تدوین و ایجاد این اماره نموده و قائل به برتری اراده ظاهری بر اراده باطنی است، زیرا حقوق و تکالیف این نوع از اسناد مندرج در خود سند است. با توجه به صراحت قانون، این اماره در خصوص ثالث خلاف ناپذیر جلوه می کند، لکن با نظر به اصل عدم قطعی بودن امارات و عرف و عادت حاکم بر جامعه می توان با اثبات عدم حسن نیت ثالث و این که وی از توافقات حاصله مطلع بوده است این اماره را از اعتبار انداخت. در این دو ماده قانون تجارت، اماره عدم توجه به ایرادات، نسبت به ثالث کاملاً مشهود است، زیرا طرفین توافق مستقیم، نمی توانند به توافقات خود نسبت به ثالث با حسن نیت استناد نمایند. همچنین اماره تجریدی در رابطه مستقیم و بلافصل قابل اجرا نیست؛ یعنی هر گونه رابطه خصوصی که فیما بین دو فرد به وجود آمده، نسبت به دیگران قابل تسری نیست و منظور از دیگران، دارنده ای است که ثالث محسوب می شود. حال اگر هر گونه توافق فردی با یکی از متعهدین سند تجاری نسبت به دیگران، همان سند تأثیری نداشته باشد بالتبع ایرادات و توافقات مرتبط با تعهد مبنا در مقابل دارنده ثالث سند تجاری قابل استناد نمی باشد. لکن همان گونه که گفته شد این موارد خلاف پذیر است، زیرا اگر ثابت شود ثالث دارنده سند تجاری حسن نیت نداشته است در این صورت، عدم توجه ایرادات در اینجا نیز قابل استناد نخواهد بود. بنا به دلایل فوق، اماره تجریدی و عدم توجه به ایرادات در مقابل ثالث، اماره ای نسبی تلقی می گردد.

۴- دلایل خلاف پذیر بودن اماره تجریدی اسناد تجاری

دلایلی که بیان می شود برای اثبات این موضوع است که سند تجاری با صدور و تسلیم آن به طور نسبی از تعهد مدنی جدا می شود و با اثبات خلاف آن می توان، اماره را از اعتبار انداخت و سند تجاری به طور نسبی فارغ از تعهد مبنا و پایه بوده و در عین استقلال، با تعهد مبنا مرتبط است؛ لذا موارد زیر به عنوان استثنائات یا خلاف پذیر بودن

اماره تجریدی اسناد تجاری بیان می‌شود، زیرا اصل بر عدم قطعیت امارات می‌باشد و مطلق بودن نیاز به حکم قانون دارد و در موارد خاص تدوین می‌شود.

۴-۱- دلیل مربوط به جرایم کیفری در اسناد تجاری

در ماده چهاردهم قانون صدور چک آمده است: «صادر کننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردد، می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد» (دلشاد و احمد زاده، ۱۳۹۵: ۳۵) لذا به هر طریق غیر قانونی چک تحصیل شود امکان توقف پرداخت چک را فراهم می‌کند. برای قانونگذار در خصوص خروج مجرمانه چک از ید صادر کننده اهمیت دارد و فرقی نمی‌کند که چک در وجه شخص معینی صادر شده و یا به نام شخص خاصی ظهر نویسی شده باشد یا حتی چکی که در وجه حامل یا بدون ذکر نام انتقال گیرنده ظهر نویسی می‌شود، وجود ندارد.

۴-۲- دلیل مربوط به شرایط شکلی سند تجاری

شرایط شکلی سند تجاری (مواد ۲۲۳ و ۲۲۶ قانون تجارت) بسیار اهمیت دارد و دارندگان اسناد تجاری صرفاً در صورت تنظیم این اسناد می‌توانند از مزایای اماره تجریدی برخوردار شوند و فقدان هر کدام، منجر به خارج شدن از عنوان سند تجاری است.

۴-۳- دلیل مربوط به عدم اهلیت و فقدان شرایط اساسی صحت معاملات

شرایط اساسی صحت معاملات، جهت کاربرد اماره تجریدی در معاملات اسناد تجاری باید وجود داشته باشد؛ لذا در صورتی که امضاء کننده سند تجاری، فاقد اهلیت قانونی مانند بلوغ، عقل و رشد برای صدور، ظهر نویسی، قبولی و ضمانت یا قصد و رضا باشد می‌تواند در مقابل دارنده سند تجاری، ایراد عدم مسئولیت نموده و به بطلان تعهد خود استناد کند (صفری، ۱۳۸۷: ۸۴؛ کاویانی، ۱۳۸۳: ۱۴۸؛ الله آبادی، ۱۳۷۷: ۲۴).

۴-۴- دلیل مربوط به تهاتر دین ناشی از سند تجاری

براتگیر به رغم قبولی برات، می تواند در برابر دارنده و در صورت وجود شرایط قانونی، به تهاثر دین ناشی از برات و طلب خود از دارنده متوسل شده و از پرداخت خودداری کند. ضمناً در صورتی که برات بدون محلّ توسط براتگیر قبول شده و صادر کننده، پس از پرداخت وجه آن به دارنده، مجدداً دارنده برات می شود در چنین وضعی، عدم وجود محلّ نزد براتگیر می تواند در مقابل صادر کننده مطرح شود و نمی توان به صرف قبولی برات از طرف براتگیر، صادر کننده را محقّ به مطالبه ناشی از برات کرده و براتگیر را مجبور نمود.

۴-۵- دلیل مربوط به سوء نیت دارنده سند تجاری

عدم توجه ایرادات در صورتی که دارنده سند تجاری دارای حسن نیت باشد قابل اعمال است؛ یعنی اگر دارنده در زمان انتقال سند از چگونگی روابط شخصی میان متعهدین آن که به اعتبار سند و مالکیت آن لطمه وارد می سازد، آگاهی نداشته باشد (الله آبادی، ۱۳۷۷: ۲۵) دارنده با حسن نیت است ولی اگر در سندی که جعل شده و براتگیر نیز اعلام قبولی کرده باشد، دارنده نمی تواند از براتگیر مطالبه وجه کند؛ زیرا احراز سوء نیت وی مبنی بر دارا شدن غیر عادلانه و به زیان براتگیر، قوی به نظر می رسد و براتگیر می تواند علیه او ایراد کند.

۴-۶- دلیل مربوط به تغییر مندرجات سند بعد از امضای آن

در صورتی که مندرجات سند تجاری پس از امضای مسئولی که مورد مراجعه دارنده قرار گرفته است تغییر یابد مسئول مورد مراجعه می تواند به تغییر مندرجات در مقابل هر دارنده - اعم از با حسن نیت و بدون حسن نیت - استناد کند.

۴-۷- دلیل مربوط به خط زدن قید عبارت حواله کرد

اگر صادر کننده سند تجاری، عبارت حواله کرد را خط بزند و دارنده بدون توجه به این امر، آن را انتقال بدهد این انتقال فقط در حدود یک انتقال مدنی معتبر است و صادر کننده می تواند در مقابل دارنده به این امر استناد کند و آن را پرداخت نکند.

۴-۸- دلیل مربوط به شرط عدم مسئولیت ظهر نویس

ظهنویس زمان پشت نویسی می تواند شرط کند که مسئولیت تضامنی برای پرداخت وجه سند ندارد. این شرط به جهت سکوت قانون تجارت به استناد به مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی نافذ و معتبر است، زیرا مسئولیت ظهنویسی برای پرداخت وجه سند تجارتي، از آثار اطلاق قرارداد ظهنویسی بوده و جزو مقتضیات ذات آن محسوب نمی شود.

۴-۹- دلیل مربوط به صدور سند توسط نماینده فاقد اختیار

اگر نماینده ای از طرف اصیل سند تجاری صادر نماید تعهد ناشی از این عمل به عهده اصیل قرار می گیرد مگر این که نماینده، خارج از حدود اختیارات عمل کرده باشد که اصیل می تواند حتی در مقابل دارنده غیر مستقیم - اعم از باحسن نیت و بدون حسن نیت - به این ایراد استناد و مبلغ سند را پرداخت نماید (گرامی طیبی، ۱۳۹۸: ۳۴-۳۵).

۴-۱۰- دلیل مربوط به روابط شخصی طرفین بلافصل

در اسناد تجاری در برابر ید مستقیم به هر ایرادی می توان استناد کرد.

۵- اماره تجریدی اسناد تجاری در رویه قضائی

برای این که بتوانیم تصویر روشنی از تجریدی بودن در رویه قضائی کسب نمائیم باید آرای صادره دادگاه ها به درستی تبیین گردد؛ لذا در بررسی این آراء باید مشاهده کرد که تا چه میزان بر مطلق یا نسبی بودن اماره تجریدی، مبتنی بر جدایی دو تعهد مدنی و تجاری تأکید دارند.

۵-۱- منفک بودن اسناد تجاری از تعهد مدنی

۵-۱-۱- آراء مبین اماره مطلق

در استنباطی که از تجریدی بودن اسناد تجاری شده، به طور کامل، تمایل به منفک بودن سند تجاری از تعهد پایه، دارند حتی در رابطه طرفین مستقیم؛ لذا استدلال صورت گرفته بر این مبناست که تعهد مدنی به طور کامل ساقط می شود و تعهد تجاری جایگزین آن می گردد. آرائی که در این خصوص صادر شده عبارت است از:

۱. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۸۵۹ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ شعبه ۳۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران:

دادگاه تجدیدنظر در مقام رسیدگی به دادنامه بدوی آن را تأیید نموده است. استدلال دادگاه بدوی بدین مضمون بود که مستند دعوی، از اسناد تجاری است و این اسناد مستقلاً و فارغ از علت مبادله آنها علیه صادر کننده حجیت دارد و استماع شهادت شهود برای اثبات تضمینی بودن، غیر مؤثر می باشد و وجود چک نزد خواهان فی نفسه در استحقاق وی و اشتغال ذمه خوانده دلالت دارد و به استناد ماده ۳۱۳ قانون تجارت و اصل برائت، حکم به محکومیت خوانده صادر نموده است. در این رأی اسناد تجاری را از معامله پایه و مبنایی جدا دانسته و مستقلاً آنها را تعهد آور تلقی کرده است، مستند به ماده ۳۱۳ قانون تجت (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: b).

۲. دادنامه شماره ۶۳۳۲ مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۱۹ شعبه ۶۵ دادگاه حقوقی دو تهران در این پرونده خواهان دادخواست مطالبه اجاره بهای معوقه ملکی را داده است؛ دادگاه با توجه به این که خواهان قبلاً بابت اجور ملک، سفته دریافت کرده است لذا به جهت قاعده تبدیل تعهد و حکم به بطلان طلب ناشی از اجاره داده است. در این رأی آمده است:

«... با توجه به مواد ۲۹۲ و ۲۹۳ قانون مدنی، مطالبه اجور معوقه با صدور سفته های مذکور، به طلب ناشی سند تجاری تبدیل شده است و حتی اگر ضمانت مندرج در ذیل قرارداد اجاره را عقد ضمان بدانیم، مسلماً با صدور سفته هایی که به امضای مستأجر رسیده است تعهد ضامن منقضی و در مقابل، امضاء کننده سفته در قبال مؤجر، متعهد پرداخت دین شده است. این تبدیل تعهد، به اعتبار مدیون، صورت گرفته و بنابراین خوانده این پرونده، دیگر متعهد به حساب نمی آید تا دعوی به طرفیت او مسموع باشد» (بهرامی، ۱۳۸۷: ۶۵).

۳. دادنامه شماره ۷۰۲ مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۲۶ شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی ایلام

در این رأی، خواهان مطالبه ثمن معامله را داشته است و چون خواهان با علم و آگاهی به جای ثمن یا طلب مدنی اقدام به دریافت چک یا طلب تجاری نموده است بنابراین، دعوی مزبور با خواسته مطالبه ثمن، قابلیت استماع را ندارد. در این رأی آمده است: «خواهان در زمان دریافت چک عالم و آگاه بوده است که چک، متعلق به احمد می باشد و با التفات به این که چک، سند و وسیله پرداخت می باشد ... با پذیرش و قبول چک دریافتی در حقیقت، از حیث رابطه معاملاتی مدنی، ثمن پرداخت شده محسوب می گردد ... در مانحن فیه با صدور و قبول چک استنادی از حیث پرداخت ثمن معامله، برائت ذمه حاصل شده است و از حیث صدور چک، اشتغال ذمه صادر کننده چک به وجود آمده است ...» (مقصودی، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۱).

۴. دادنامه شماره ۴۷۸ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۲ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی کرج خواهان، دادخواست مطالبه ثمن معامله را داده است و دادگاه اخذ سند تجاری را دلیل بر از بین رفتن دین قبلی تلقی کرده است و خواهان باید از طریق پیگیری سند تجاری اقدام به مطالبه طلب نماید. در رأی صادره چنین بیان شده است: «بر فرض که این چک بابت بدهی (ثمن معامله) باشد خود یک سند تجاری است. در حقیقت، پرداخت ثمن می باشد و در صورت برگشت می تواند از طریق محاکم مطالبه نماید و یا این سند را به اصطلاح در بازار خرج کند ...» (بازگیر، ۱۳۷۹: ۲۶۴-۲۶۵).

با توجه به آراء فوق، تعهد مدنی ساقط شده و تبدیل به تعهد تجاری شده است و هرگونه ایرادی در این خصوص مسموع نمی باشد.

۵-۱-۲- آراء مبین اماره نسبی

اماره نسبی بودن به این معنی است که اماره تجریدی اسناد تجاری و عدم توجه ایرادات، اماره ای خلاف پذیر هستند و با ارایه دلیل مربوط به تعهد مبنا و پایه ای و دلایل مربوط به خود سند می توان سند را از اعتبار انداخت.

۱. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۹۰۰۶۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۲ شعبه پنجم دیوان

در خصوص مطالبه دو فقره چک به مبلغ ۵۶۷۰۰۰۰۰۰ ریال، متذکر شده با توجه به روابط پایه و مبنایی باید خواهان به تعهدات قراردادی خود اقدام کرده و سپس چک ها را مطالبه نماید. به قراردادی که براساس آن سند تجاری صادر شده، یعنی قرارداد پایه و مبنایی اهمیت می دهند و چون قرارداد مزبور به طور کامل انجام نشده حکم می کند که در وهله نخست باید قرار داد کاملاً اجرا و سپس مطالبه سند تجاری صورت گیرد؛ یعنی سند تجاری فی نفسه و مستقل از روابط پایه و مبنایی که علت صدور سند بوده، قابل مطالبه نیست و در اصل به منفک بودن مطلق معامله مینا از سند تجاری معتقد نیستند؛ لذا به نقض حکم می نمایند (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۵۵۲).

۲. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۹۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۵ شعبه ۵۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران

دادگاه تجدید نظر در مقام رسیدگی تجدیدنظر به دادنامه صادره از شعبه ۲۰۷ دادگاه عمومی و حقوقی، رأی دادگاه بدوی مبنی بر این که چک ها به لحاظ وصف تجریدی بودن قابل استناد و معتبر است حکم به محکومیت خواندگان می دهد، ولی دادگاه تجدیدنظر با استدلال این که اصل ایراد ناپذیری اسناد تجاری که در رابطه مستقیم و بلافصل صادر کننده و دارنده، محلّ اعتناء نمی باشد با نقض دادنامه بدوی حکم به ردّ دعوی دادند (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: C).

۳. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۰۶۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۱ شعبه ۱۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران

خواهان از خوانده به خواسته مطالبه وجه شش فقره چک را نموده است و شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران با توجه به استناد به اصل عدم استماع ایرادات نسبت به شخص ثالث و وصف تجریدی چک و این که ادعای جعلیت و امانی بودن بلا دلیل می باشد حکم بر محکومیت خوانده داده است. دادگاه تجدیدنظر با استناد به عدم حسن نیت ثالث و همچنین وجود قرارداد پایه، تجریدی بودن و عدم توجه به ایرادات را ردّ نموده و حکم بدوی را نقض کرده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: b۱۴۶).

۴. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۳۰۱۰۵۲ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۸ شعبه ۲۸ دادگاه

تجدید نظر استان تهران

در این پرونده دادگاه به خصیصه تجریدی بودن اسناد تجاری، نگرشی نسبی داشته و به قرارداد پایه و متن چک توجه دارد. وصف تجریدی اسناد تجاری رازمانی قابل استناد می‌داند که دارنده ثالث با حسن نیت قلمداد گردد؛ در حالی که هنوز اختلافات طرفین در اجرای قرارداد مرتفع نگردیده و چک‌های اصداری با منشأ صدور خود پیوستگی داشته و مرتبط می‌باشد و شرط پرداخت وجه آن چک‌ها انجام تعهدات فروشنده بوده که عملی نگردیده است و اقدام فروشنده به انتقال چک‌ها خود اقدامی ناعادلانه و سوء استفاده از اوصاف تجریدی اسناد تجاری و به ضرر غیر بوده است و خواهان نیز که کاملاً در جریان موضوع و اختلاف متعاقبین بوده و در چک، جمله «یا به حواله کرد بپردازید» در متن چک خط خورده است لذا دارنده با حسن نیت شناخته نمی‌شود تا مستحق دریافت وجوه آن اسناد باشد؛ لذا حکم بر بی‌حقی خواهان صادر می‌گردد (پژوهشگاه قوه قضائیه، b۱۳۹۶).

۵. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۱۳۹۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۹ شعبه ۳۵ دادگاه

تجدید نظر استان تهران

دادگاه بدوی در خصوص دعوی خواهان مبنی بر مطالبه وجه یک فقره چک، با استناد به وصف تجریدی بودن و عدم توجه ایرادات نسبت به دارنده چک با حسن نیت، حکم بر محکومیت خواننده داده است و دادگاه تجدیدنظر، با استناد به تضمینی بودن چک و عدم انجام مورد تضمین توسط خواننده، آن را مرتبط با ثالث با حسن نیت نمی‌داند تا امکان استناد به وصف تجریدی اسناد تجاری محقق شود؛ لذا حکم بر بی‌حقی خواهان بدوی داده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، b۱۳۹۶ : ۸۰۱).

۶. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۰۰۱۰۰۱۵۲۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹ شعبه ۵۰ دادگاه

تجدید نظر استان تهران

دادگاه بدوی در خصوص دعوی خواهان مبنی بر مطالبه وجه یک فقره چک به مبلغ ۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، با توجه به بقای اصل سند در ید خواهان که دلالت بر اشتغال ذمه خوانده دارد حکم بر محکومیت خوانده داده است و دادگاه تجدیدنظر با استناد به بلافصل بودن ایادی چک، این مورد را استثناء بر وصف تجریدی اسناد تجاری و عدم توجه ایرادات می داند و هرگونه ایرادی را در مقابل ایادی مستقیم، قابل استماع تلقی کرده اند؛ لذا حکم بر بی حقی خواهان بدوی داده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۸۰۳:b۱۳۹۶)

نتیجه گیری

از مجموع مطالب مطرح شده در این مقاله می توان به نتایج ذیل اشاره کرد:

۱- اماره تجریدی اسناد تجاری، در قانون تجارت به صراحت پذیرفته نشده است لکن از باطن برخی قوانین می توان مبنای این اماره را استنباط نمود. اماره تجریدی مطرح در اسناد تجاری، اماره ای نسبی است؛ یعنی جدایی اسناد تجاری از تعهد مدنی وجود دارد، لکن با آن نیز مرتبط است. اماره نسبی بودن یعنی خلاف اماره تجریدی قابل اثبات است؛ مثلاً با اثبات رابطه مستقیم و بلافصل طرفین اسناد تجاری این اماره را می توان ساقط کرد و همچنین در مورد ثالث دارنده سند تجاری، با اثبات سوء نیت وی اماره را از اعتبار انداخت.

۲- مقنن با تدوین مقرراتی، اماره تجریدی اسناد تجاری را از اعتبار انداخته است تا بدین وسیله، ضمن حمایت از صادر کننده سند تجاری، تمایل خود را به نگرش منطقی به اماره مذکور نشان دهد؛ دلایلی مانند ماده ۱۴ قانون چک مصوب ۱۳۸۲ و دیگر موارد مرتبط که قانونگذار در تدوین آنها منافع تمام اطراف اسناد تجاری را مدنظر قرار داده است؛ مگر این که بنا به مصلحت و حفظ منافع عموم، قانونی را مطلق بیان نماید که آن هم استثناء تلقی می شود.

۳- در رویه قضائی و آراء دادگاه ها، جدایی نسبی تعهد پایه و تعهد تجاری واضح است ولی علیرغم تردید در این مورد، سعی کرده به موضوع اصولی تر توجه نماید.

منابع

- اخلاقی، بهروز (۱۳۷۵)، **حقوق تجارت ۳**، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- اداره کل حقوقی قوه قضائیه (۱۳۹۱/۱۱/۱۲)، **اجرای اصل عدم توجه ایرادات**، نظریه شماره ۳۷۵۰/۷ - ۱۳۹۰/۰۷/۳۰، سال ۶۸، ش ۱۹۷۸۳.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹)، **حقوق تجارت (برات، سفته و چک)**، ج ۲، چ ۱۴، تهران: سمت.
- اسلامی، رضا (۱۳۸۱)، **شرح حلقه اول از دروس فی علم الاصول**، ج ۱، چ ۲، قم: بوستان کتاب.
- الله آبادی، کمال (۱۳۷۷)، **اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری**، دیدگاه های حقوقی قضائی، ۱۱ و ۱۰، ۷-۲۶.
- امامی، سید حسن (بی تا)، **حقوق مدنی**، ج ۶، تهران: اسلامیة.
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۹)، **قانون مدنی در آرای دیوان عالی کشور**، تهران: فردوسی.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۷)، **حقوق تجارت کاربردی**، چ ۳، تهران: نگاه بینه.
- پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۶a)، **مجموعه آرای قضائی شعب دیوان عالی کشور ۱۳۹۲**، چ ۲، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه.
- پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۶b)، **مجموعه آرای قضائی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران سال ۱۳۹۱**، چ ۲، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه.
- پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۶c)، **مجموعه آرای قضائی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران سال ۱۳۹۲**، چ ۲، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه.
- پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۶d)، **مجموعه آرای قضائی شعب دیوان عالی کشور ۱۳۹۳**، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه.
- پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۴۰۰)، **دلالت ماده ۲۶۵ قانون مدنی بر اماره دین در پرتو رویه قضائی**، چ ۳، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، **مقدمه عمومی علم حقوق**، چ ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵)، **ترمینولوژی حقوق**، چ ۳۰، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جمعی از قضات (۱۳۷۴)، **گزیده آراء دادگاه های حقوقی**، چ ۱، تهران: میزان.
- جنیدی، لعیا؛ شریعتی نسب، صادق (۱۳۹۲)، **وصف تجریدی در حقوق ایران با تأکید بر رویه قضائی**، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۳، ۱۷-۲۹.

- حبیبی، محمود (۱۳۹۶)، نمایندگی در اسناد تجاری، ج ۱، تهران: میزان.
- دلشاد، ابراهیم؛ احمد زاده، فائزه (۱۳۹۵)، قواعد وفای به عهد در تأدیه اسناد تجاری، تهران: مجلد.
- دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائی، محسن (۱۳۹۰)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چ ۱۱، تهران: دادستان.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۹)، حقوق تجارت، ج ۳، چ ۱۶، تهران: دادگستر.
- شریفی، علیرضا (۱۳۹۵)، اصول و قواعد حاکم بر اسناد تجاری، تهران: دادگستر.
- صباغیان، حسین (۱۳۹۶)، ویژگی و مزایای اسناد تجاری در آرای دیوان عالی کشور، تهران: جنگل.
- صفری، محمد (۱۳۸۷)، حقوق بازرگانی «اسناد»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (b۱۳۸۳)، اعتبار امر قضاوت شده، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چ ۶۶، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰)، اثبات و دلیل اثبات، ج ۲، چ ۱۰، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، ماهیت و اثر اماره حقوقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۴، ۱۲۵-۱۵۴.
- کاتوزیان، ناصر (a۱۳۸۳)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کارخیران، محمدحسین (۱۳۹۲)، محشای حقوق مدنی ایران، ج ۱، تهران: آریاداد.
- کامیار، غلامرضا (۱۳۸۵)، مجموعه محشای قانون صدور چک، تهران: مجلد.
- کاویانی، کوروش (۱۳۸۳)، حقوق اسناد تجاری، تهران: میزان.
- گرامی طیبی، امید (۱۳۹۸)، شرح پیشرفته قانون تجارت، قوچان: اندیشه ارشد.
- مقصودی، مراد (۱۳۸۵)، رویه قضائی و اندیشه های حقوقی (امور حقوقی)، تهران: پروهان.
- مناقب، زهرا سادات؛ مناقب، سید مصطفی (۱۴۰۰)، اعتبار سنجی اماره قانونی و قضائی در دادرسی کیفری، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۵، ۴۴۳-۴۷۲.
- نیک فرجام، کمال (۱۳۸۳)، معامله اسناد تجاری و تبدیل تعهد، دیدگاه های حقوق قضائی، ۳۲ و ۳۳، ۱۳۶-۱۱۵.